

اشکال دوم حضرت امام به محقق نهاوندی :

«بل ربّما یكون الواضع غیر المستعمل فیکون الّوضع للغير»^۱

توضیح :

مرحوم نهاوندی می فرمود که وضع، تعهد واضح است به اینکه هرگاه این لفظ را استعمال کرد، این معنی را اراده کرده است، امام می فرمایند چه بسا اصلاً واضح این لفظ را در این معنی استعمال نکند و اصلاً واضح مستعمل نباشد بلکه آن را برای دیگران وضع کند.

ان قلت : واضع می تواند چنین تعهدی را جعل کند که هر گاه این لفظ استعمال شد، این معنی اراده شود و آن را در وعاء اعتبار عقلائی جعل نماید.

قلنا : مبنای تعهد بر تعهد فردی استوار است که یک کیف انسانی است و از اعراض به حساب می آید در حالی که «جعل تعهد» یک امر اعتباری است و مربوط به اعتبارات عقلایی است.

اللهم الا ان یقال : کسی که برای دیگری وضع می کند در حقیقت پیشنهاد می کند تا دیگران متعهد شوند و لذا حقیقت وضع، همان تعهد مستعملین است.

اشکال سوم بر محقق نهاوندی :

چرا ما - که واضع نیستیم - باید به تعهدی که واضع برای خودش کرده است، ملتزم باشیم. (اشکال سیدنا الاستاد)

جواب می دهیم:

اعتباریات عقلایی در جایی است که همه آن را بپذیرند و لذا همه اهل یک لغت باید این تعهد را داشته باشند. پس واضع کسی است که اولین بار تعهد می کند ولی وضع در صورتی شکل می گیرد که این تعهد توسط همه اهل یک لغت پذیرفته شود. و لذا اگر تعهد توسط شخصی صورت پذیرفت ولی دیگران نپذیرفتند، وضع صورت گرفته است ولی نفع جمعی و عقلایی ندارد.

اشکال چهارم بر محقق نهاوندی :

تعهد، علقه ای است بین دو فعل : «استعمال لفظ» و «اراده معنی» در حالی که وضع عبارت است از پیوند و علقه بین مفهوم (معنی) و لفظ (اشکال سیدنا الاستاد)

توجه شود قائلین به تعهد، به این امر ملتزم هستند و وضع را نیز همانگونه تعریف می کنند. ولی مشکل این است که طبق عقیده آنان نمی توان گفت «این لفظ به معنای آن است» بلکه باید گفت «اگر این معنی را خواست بگویند، این لفظ را بیاورد» و حال آنکه وجداناً و عرفاً وضع، علقه بین لفظ و معنی است.

این اشکال به نظر کامل می رسد.

۱. مناہج الوصول؛ ج ۱ : ص ۵۸



اشکال پنجم بر محقق نهاوندی :

مرحوم خوئی بر مبنای تعهد اشکالی کرده و به آن پاسخ می دهد:

«أن تعهد ذكر اللفظ عند قصد تفهيم المعنى يتوقف على العلم بأنه وضع له فلو فرض انّ

الوضع عبارة عن ذلك التعهد لدار»^۱

توضیح : کسی که تعهد می کند که این لفظ را در این معنی به کار ببرد، از وضع این لفظ برای این معنی مطلع بوده است، حال

اگر وضع هم متوقف بر این تعهد باشد، دور پیش می آید.

مرحوم خوئی جواب می دهد :

«أن منشأ التوهم : خلط المتوهم بين تعهد في مرحلة الاستعمال و التعهد في مرحلة الوضع

و الذي يتوقف على الثاني هو الاول دونه»^۲

توضیح : مرحوم خوئی می گوید آنچه بر علم به وضع متوقف است، استعمال است. چراکه آدمی تعهد کرده است که وقتی

خواست معنی را اراده کند، این لفظ را بیاورد. و تا وقتی که از تعهدش مطلع نباشد، نمی تواند به آن عمل کند (استعمال کند) ولی

اصل وضع بر علم به تعهد (علم به وضع) متوقف نیست پس با خود تعهد می کند (این یعنی وضع) و سپس در مرحله بعد از این

تعهد خود مطلع می شود (تأخر رتبی دارد و نه تأخر زمانی) و سپس در مرحله استعمال، به این تعهد پای بند است.

ما می گوئیم : به نظر این جواب کامل می آید.

اشکال ششم بر محقق نهاوندی :

اگر وضع را به معنای تعهد بگیریم، وضع تعینی نخواهیم داشت چراکه تعهد به صورت تدریجی حاصل نمی شود. (اشکال

سیدنا الاستاذ)

جواب می دهیم: اینکه وضع تعینی نخواهیم نداشته باشیم، لازمه فاسده ای نیست بلکه بعدها خواهیم گفت بسیاری وضع

تعینی را قبول ندارند.

اشکال هفتم بر محقق نهاوندی :

مرحوم آیت الله فاضل بر مبنای تعهد، اشکال می کند^۳ که وضع به معنای تعهد بین معنای حقیقی و لفظ به چه حسابی لفظ

در معنای مجازی استعمال می شود. ایشان بر مطلب خویش، نکته ای را نمی افزایند ولی می شود در تقریر کلام ایشان گفت :

انتقال از لفظ به معنای حقیقی به این سبب است که می دانیم متکلم تعهد کرده است که هر گاه خواست این معنی را اراده کند،

این لفظ را بیاورد ولی اگر متکلم لفظ را آورد و معنای مجازی را اراده کرد، اولاً خلاف تعهدش عمل کرده است و ثانیاً با علم

۱. محاضرات فی الاصول ؛ ج ۱ : ص ۴۵

۲. محاضرات فی الاصول ؛ ج ۱ : ص ۴۶

۳. سیری کامل در اصول فقه شیعه ؛ ج ۱ ص ۲۵۹



به کدامین تعهد ما از این لفظ به آن معنی منتقل می شویم.

جواب می دهیم :

اولا : این اشکال در همه معنای وضع قابل جریان است. به عنوان مثال اگر گفتیم وضع عبارت از نسبت ذاتیه لفظ و معنی است، اگر در معنای مجازی به کار رفت، چرا به معنای مجازی منتقل می شویم. یا اگر گفتیم وضع عبارت است از جعل هوهویت، چرا می تواند در معنای مجازی استعمال شود.

ثانیا : علت آنکه ما به معنای مجازی منتقل می شویم آن است که قرینه در معنای حقیقی استعمال شده و باعث می شود ما متوجه شویم که متکلم از تعهد خود دست کشیده است.

اشکال هشتم به محقق نهایندی :

ارتباط لفظ و معنی به گونه ای است که حسن و قبح معنی به لفظ سرایت می کند و صرف تعهد نمی تواند چنین حسن و قبحی را پدید آورد. (اشکال سیدنا الاستاذ)

جواب می دهیم :

سرایت حسن و قبح ناشی از انس است که از کثرت استعمال پدید می آید به گونه ای که این لفظ آینه آن معنی شود و الا وضع (به هیچ کدام از معانی) چون اعتباری است نمی تواند باعث این سرایت شود و لذا این سرایت برای ما نسبت به لغت های زبان های خارجی وجود ندارد.

جمع بندی :

با توجه به اشکالات یکم و چهارم، مبنای «تعهد» کامل به نظر نمی رسد.

